نوع مقاله: پژوهشی

بررسی تطبیقی دیدگاه متون مقدس ادیان ابراهیمی و دانش پزشکی درباره آمیزش در دوره عادت ماهانه

یحیی نورمحمدی نجف‌آبادی / استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ملایر normohamadi126@gmail.com
ایران سلیمانی/ استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل i.soleimani.129@gmail.com
زینب توکل/ استادیار گروه بهداشت باروری و مامایی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد zeinab.tavakol@yahoo.com
محمدرضا نورمحمدی/ دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد noormohammadi33@yahoo.com
دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲ ـ **پذیرش:** ۱۴۰۱/۰۴/۱۵

چکیده

مسئله آمیزش در دوره عادت ماهیانه مطمح‌نظر متون مقدس (کتاب مقدس و قرآن) ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) بوده و در این متون با رویکردهای گوناگون، احکامی را در این‌باره تشریع کرده‌اند. این مقاله با روش توصیفی، تحلیلی، تطبیقی روشن ساخته که رویکرد عهد عتیق از کتاب مقدس کنونی به این موضوع، رویکردی سختگیرانه بوده و بیشتر ارتباطات عادی و جنسی میان مرد و زن در ایام عادت ماهیانه را ممنوع ساخته است. در مقابل، در عهد جدید و مسیحیت هیچ‌گونه محدودیتی در این‌باره وضع نگردیده است. قرآن در آیه ۲۲۲ سورهٔ «بقره»، صرفاً آمیزش در این ایام را ممنوع کرده است که با توجه به مضمون آیه شریفه و روایات، به دست می‌آید که هدف اساسی از این ممنوعیت، رعایت بهداشت و تأمین سلامت است؛ مطلبی که دانش روز پزشکی آن را تأیید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: متون مقدس، ادیان، ابراهیمی، آمیزش، عادت ماهیانه.

مقدمه

یکی از دوره‌های مهم زندگی زنان که ارتباطی مستقیم و عمیق با سلامت آنها دارد، دوره باروری و تولیدمثلی آنهاست. سال‌های طبیعی تولیدمثل زن با تغییرات منظم ماهانه در میزان ترشح هورمون‌های زنانه و تغییرات فیزیکی هماهنگ در تخمدان‌ها و سایر اندام‌های جنسی مشخص می‌شود. به این طرح منظم، چرخه جنسی ماهانه زن و یا به‌طور عامیانه‌تر، «عادت ماهانه» می‌گویند.

عادت ماهانه مهم‌ترین نشانه کار دستگاه تناسلی در افراد مؤنث بالغ و یک فرایند زیستی طبیعی است که بخش عمده‌ای از زندگی زنان را دربر می‌گیرد و عبارت است از: تخلیه منظم مایعات قاعدگی از طریق واژن که به‌مثابه بخشی از دوره قاعدگی ماهانه یک زن اتفاق می‌افتد و معمولاً چند روز طول می‌کشد. مایعات قاعدگی حاوی مقداری خون (۳۰ـ۵۰ میلی لیتر از مقدار کل)، مخاط دهانه رحم، ترشحات واژن و همچنین بافت آندومتر است.

از سوی دیگر، آمیزش و تمایلات جنسی انسان یکی از مهم‌ترین جنبه‌های سلامت بهداشت باروری و کیفیت زندگی به‌شمار می‌آید (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۱). سلامت جنسی بخشی از سلامت باروری است که یک نیاز و راهبرد برای رسیدن به اهداف توسعه هزاره بیان شده است (جان‌قربان و همکاران، ۱۳۹۳). سلامت جنسی خوب برای افراد و در نتیجه، برای جامعه مهم است (براتی و همکاران، ۱۳۹۳). سلامت جنسی موقعیتی است که زوجین در آن از یک رابطه سالم، مناسب و بهنجار جنسی بهره‌مند هستند، به‌گونه‌ای‌که وضعیت جسمی، روحی و رفتاری آنها مطلوب و حاکی از نوعی هماهنگی، انس و محبت در زندگی زناشویی است. آمیزش و روابط جنسی صحیح پیش‌زمینه‌ای برای تقویت عواطف و احساسات بین زوجین است و می‌تواند موجبات تحکیم پیوندهای خانوادگی را فراهم آورد و از پیدایش و تشدید اختلالات روانی و ازهم‌گسیختگی بنیان خانواده و در پی آن، جامعه جلوگیری کند (اسلاتر، ۲۰۱۴).

آمیزش در دوره عادت قاعدگی ازجمله مسائلی است که همواره در دوره‌های گوناگون تاریخ بشر و از منظرهای مختلف، توسط نهادها، طیف‌ها و گروه‌های علمی گوناگون موضوع بحث قرار داشته است. ازجمله نهادهایی که به این مسئله توجه کرده، نهاد دین بوده است؛ به‌گونه‌ای‌که تقریباً تمام ادیان اصلی جهان به این مسئله نظر داشته و احکام و مقرراتی را برای آن در نظر گرفته‌اند. از میان ادیان زنده‌ای که ازیک‌سو، قطعاً الهی و آسمانی است، و از سوی دیگر، امروزه دارای پیروانی است و به احکام و دستورات و شریعت‌های آنها عمل می‌شود سه دین آسمانی اسلام، مسیحیت و یهودیت هستند که «ادیان ابراهیمی» خوانده می شوند. امروزه بخش قابل‌توجهی از پیروان ادیان آسمانی جهان را پیروان ادیان ابراهیمی تشکیل می‌دهند و عمل به احکام و دستورات آنها در دنیا رایج است. در شریعت‌های ادیان ابراهیمی، به موضوع آمیزش در دوره عادت ماهانه توجه شده و احکام و مقرراتی برای آن تشریع گردیده که از منابع فهم و استنباطات احکام در این ادیان اقتباس شده است.

در مجموعه‌های فقهی هریک از فرق و مذاهب در هریک از این ادیان، مباحث و مطالب مفصل و البته محل اختلاف بسیاری در این‌باره وجود دارد. علاوه بر آن فرازونشیب‌ها و تغییر و تحولات چشمگیری در

برخی شرایع در طول تاریخ در این‌باره اتفاق افتاده است. بدین‌روی، تشریح دیدگاه‌های فقهی همه فرق و مذاهب در هریک از این ادیان درباره موضوع تحقیق، نیازمند مجالی وسیع‌تر از این مقاله است. اما یکی از منابعی که در این ادیان به موضوع آمیزش در دوره عادت ماهانه اشاره کرده، متون مقدس و کتاب‌های آسمانی این ادیان است. هم در کتاب مقدس که متن مقدس دین یهود و مسیحیت است، نکاتی درباره آمیزش در دوره عادت ماهیانه بیان شده و هم در قرآن کریم که کتاب آسمانی و متن مقدس دین اسلام است، به این موضوع اشاره گردیده است.

بنابراین تکیه بحث در این نوشتار بر مهم‌ترین و اصلی‌ترین منبع تعلیمی این ادیان، یعنی کتاب مقدس و قرآن متمرکز خواهد بود. ازاین‌رو، آنچه از دیدگاه‌ها و آموزه‌های ادیان ابراهیمی در این مقاله مدنظر است، مطالب بیان‌شده در متون مقدس و کتاب‌های آسمانی هریک از این ادیان در باب موضوع تحقیق است.

لازم به ذکر است که «کتاب مقدس» خود مشتمل بر ۶۶ کتاب جداگانه است که بیش از سی تن در مدت قریب ۱۶۰۰ سال، به سه زبان عبری، آرامی و یونانی آنها را نگاشته‌اند (لیندسی، ۱۹۷۶، ص ۴). این کتاب به دو بخش عمده «عهد عتیق» و «عهد جدید» تقسیم می‌شود. بخش عهد عتیق مشتمل بر ۳۹ کتاب است و یهودیان فقط همین بخش را کتاب مقدس خود می‌دانند. اما مسیحیان مجموع ۶۶ کتاب عهد عتیق و جدید را مقدس می‌شمارند. در اینکه نویسنده کتاب‌های بخش عهد عتیق چه کسانی هستند و آیا این کتاب‌ها وحی الهی‌اند یا منشأ انسانی دارند، رویکردها و دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که این مقاله فرصت پرداختن به آنها را ندارد.

درباره موضوع بحث (آمیزش در دوره عادت ماهانه)، بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد تفاوت‌هایی میان متون مقدس ادیان ابراهیمی (عهد عتیق، عهد جدید و قرآن) وجود دارد و رویکرد یکسانی از سوی این متون مقدس نسبت به این موضوع وجود ندارد.

با پیشرفت علم پزشکی، بسیاری از مسائل بهداشتی و امور مربوط به سلامت انسان به راحتی قابل بررسی است. امروزه سلامت با همه جوانب آن از حقوق اولیه انسانی به‌شمار می‌آید، به‌گونه‌ای‌که نظام‌های بهداشتی دنیا به‌طور روزافزون اهداف خود را از ارائه مراقبت‌های بهداشتی ارتقای سطح سلامت جامعه می‌دانند و افزایش شاخص‌های کلی سلامت، مانند بهزیستی جایگزین شاخص‌های محدود و نارسایی مانند مرگ‌ومیر شده است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۱).

تعریف «سازمان جهانی بهداشت» (WHO) از «سلامت» به «حالت رفاه و آسایش کامل روانی، جسمی و اجتماعی و نه فقط فقدان بیماری و یا نقص عضو» (همان)، از این مهم حکایت دارد. چون زنان نیمی از جمعیت کشور و به‌مثابه مدیران و مربیان خانواده‌ها و فعالان جامعه به‌شمار می‌آیند و سلامت آنان پایه سلامتی نیمی از جمعیت، خانواده و جامعه را تشکیل می‌دهد (پرویزی و همکاران، ۱۳۸۸)، توجه به سلامت ایشان همواره مورد تأکید بوده است، به‌گونه‌ای‌که یکی از محورها و شاخص‌های توسعه به‌شمار می‌آید (قربانی و گلچین، ۱۳۹۰).

امروزه تحقیقات پزشکی خوبی در باب آسیب‌ها، مضرات و دیگر امور مربوط به سلامت زنان یا مردان در موضوع آمیزش در دوره عادت ماهانه انجام شده که می‌تواند معیاری علمی برای تشخیص درستی یا نادرستی احکام بیان‌شده در متون مقدس ادیان ابراهیمی به‌شمار آید.

بنابراین چون سلامت جنسی یکی از ابعاد مهم سلامتی افراد است و می‌تواند بر سایر ابعاد سلامتی تأثیر بگذارد و همچنین موضوع آمیزش در زمان عادت ماهانه در متون مقدس ادیان ابراهیمی مدنظر قرار گرفته و احکامی برای آن بیان شده، ضروری است تا تحقیقی انجام شود و این موضوع از منظر این ادیان آسمانی و دانش پزشکی به صورت تطبیقی بررسی گردد.

براین‌اساس، سؤال این است که متون مقدس ادیان ابراهیمی چه دیدگاهی درباره آمیزش در دوره عادت ماهانه دارند؟ این مسئله از منظر دانش پزشکی چه حکمی دارد؟ آموزه‌های کدام‌یک از متون مقدس ادیان ابراهیمی با یافته‌های دانش پزشکی مطابقت دارند؟

در این‌باره تحقیقاتی نیز صورت گرفته است؛ مثلاً:

صالح و همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه موردی خود بر موضوع «مقاربت در زمان حیض از نگاه اخلاق اسلامی (مذهب تسنن) و علم طب» این‌گونه نتیجه گرفته‌اند که پیروی از اخلاق اسلامی با کشفیات علمی درباره عامل خطر ناشی از مقاربت در دوران قاعدگی دارای ارتباطی معنادار است. این مقاله صرفاً احکام فقهی اهل‌تسنن در این‌باره را با علم طب مقایسه کرده و تأکید و توجهی بر قرآن و متون مقدس سایر ادیان ابراهیمی نداشته است.

همچنین *حسینی* و *اسماعیل‌زاده* (۱۳۹۳)، نیز در مقاله خود با عنوان «مجامعت با حائض از منظر قرآن و طب»، با توجه به نتایج کشفیات و استنباطات طبی علمی با لحاظ شرایط فیزیولوژیک ایجادشده برای حائض، نشان دادند که دستاوردهای طبی می‌تواند مؤید و مشمول دیدگاه قرآن و روایات مبنی بر عوارض مجامعت در این ایام باشد، و عدم رعایت آن موجب بروز آلودگی و بیماری در دستگاه تناسلی زن و مرد شود، و این بیماری‌ها غیر از مشکلات روحی است که برای هریک از زوجین به وجود می‌آید. این مقاله نیز توجهی به سایر متون مقدس ادیان ابراهیمی نداشته است.

مقاله حاضر با استفاده از روش «کتابخانه‌ای»، ابتدا مطالب مرتبط با موضوع را از منابع گوناگون گرد آورده و سپس با روش «توصیفی، تحلیلی، مقایسه‌ای» بررسی کرده است.

دیدگاه یهود درباره آمیزش در دوره عادت ماهانه

در آموزه‌های عهد عتیق از کتاب مقدسِ کنونی که مقبول یهودیان است، زن در دوره عادت ماهیانه، عنصری ناپاک، نجس و لازم‌الاجتناب تلقی شده است. بدین‌روی، هرگونه معاشرت مردان با این‌گونه زنان (حتی غذا خوردن سر یک سفره و یا زندگی در یک اطاق) ممنوع گردیده است:

و اگر زنی جریان دارد! و جریانی که در بدنش است خون باشد هفت روز در حیض خود بماند و هر کس او را لمس کند تا شب نجس باشد! و بر هر چیزی که در حیض خود بخوابد نجس باشد و بر هر چیزی بر آن بنشیند نجس باشد و هر کس بستر او را لمس کند رخت خود را بشوید و با آب غسل کند و تا شب نجس باشد. و هر کس چیزی را که او بر آن نشسته بود لمس کند رخت خود را بشوید و با آب غسل کند و تا شب نجس باشد. و اگر آن بر بستر باشد یا بر هر چیزی که او بر آن نشسته بود چون آن چیز را لمس کند تا شب نجس باشد (لاویان، ۱۵: ۱۹ـ۲٤).

براین‌اساس هرگونه ارتباط با زن حائض در دوره عادت ماهانه جایز نیست. ازاین‌رو، روابط جنسی و آمیزش در این دوره نیز با محدودیت‌های شدیدی مواجه گردیده؛ زیرا عهد عتیق مردان را از نزدیک شدن به زنان در «نیدا» (دوره عادت ماهانه) به شدت نهی کرده است، به‌گونه‌ای‌که نباید مردان در این ایام به زنان نزدیک شوند و عورت آنها را برهنه سازند و با ایشان آمیزش داشته باشند. زن و مردی که در این دوره ارتباط جنسی با هم داشته باشند، نباید در میان قوم خویش باقی بمانند: «... و اگر مردی با او هم بستر شود و زن حایض باشد، مرد تا هفت روز نجس خواهد بود و هر بستری که بر آن بخوابد نجس خواهد بود» (لاویان، ۱۵: ۲۵).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، قوانین سختگیرانه‌ای در تورات و عهد عتیق در خصوص ایام عادت ماهانه زنان و نیز ارتباطات جنسی در این دوره بیان گردیده است. جامعه یهودیان در دوران «معبد» و حتی در اوایل دوره پس از معبد، تا حد زیادی به این قوانین و محدودیت‌ها پایبند بودند و حتی زنان حائض را از ورود به معابد منع می‌کردند. اما به دنبال تغییراتی که در دوره پس از معبد در فرهنگ و باورهای یهودی پدید آمد، بسیاری از قوانین مربوط به پاکی و نجاست زنان حائض نیز متحول گردید. در نتیجه امروزه شاید تنها آثاری که درخصوص محدودیت‌های دوره عادت ماهانه در میان بسیاری از یهودیان (غالب یهودیان راست‌کیش و یهودیان اصلاح‌گرا) اعمال می‌شود ممنوعیت‌هایی است که به مسئله حضور زنان در کنیسه و شرکت در نماز جماعت بازمی‌گردد. بسیاری از یهودیان احکام و دستورات مربوط به دوره عادت ماهیانه (نیدا) را به باورها و بینش‌های دوران باستان به مسئله پاکی و نجاست دینی مرتبط می‌دانند که برای یهودیان جدید اهمیت چندانی ندارد (منسکی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۲۷۴ـ۲۸۰؛ آنترمن، ۱۳۸۵، ص ۲۲۲ـ۲۴۳).

سؤالی که در اینجا می‌توان مطرح ساخت این است که علت یا حکمت رویکرد سختگیرانه و به‌ظاهر افراطی عهد عتیق و دین یهود به زن در تشریع قوانین محدودیت‌ساز در دوره عادت ماهانه زنان چیست؟ منزوی ساختن زنان در حالت حیض (حتی در محیط خانه و کانون خانواده) و دوری‌گزینی افراطی از آنها چه معنایی دارد و چه هدفی را دنبال می‌کند؟

دست‌کم سه تحلیل متفاوت در پاسخ به سؤالات فوق، با توجه به آموزه‌های عهد عتیق، می‌توان ارائه کرد:

یک. قوانین و احکام سختگیرانه

رویکرد افراطی به مسئله زن در دوره عادت ماهانه برآمده از نگرشی منفی است که در عهد عتیق نسبت به جنس زن و جایگاه و نقش او وجود دارد. اگرچه کتاب مقدس (عمدتاً در عهد جدید) همانند قرآن و آموزه‌های

اسلام، منزلت و ارج قابل‌توجهی برای مادران قائل است (خروج، ۲۱: ۱۵-۱۷) و به مردان می‌گوید که به همسران خویش محبت بورزند (رساله پولس به افسسیان، ۵: ۲۸-۲۹)، اما در مجموع، نگرش عهد عتیق به جنس زن، نگاه نازل و ثانوی است.

بیشتر مطالبی که درباره زنان و نقش آنها در تورات و سایر بخش‌های عهد عتیق آمده، نقش‌هایی منفی و کم‌فروغ است و کمتر پیش می‌آید که زنان در واقعه مهمی نقش اول را در آیات یا داستان‌ها داشته باشند. از همان آغاز داستان آفرینش، (برخلاف نگاه قرآن، اعراف:۲۰؛ طه: ۱۲۰) زن به‌عنوان کارگزار شیطان و عنصری گمراه‌کننده و اغواگر معرفی شده (پیدایش، ۳: ۱-۶) که مستوجب عذاب و لعنت خداوند متعال است: «[خداوند] به زن گفت: درد زایمان تو را بسیار افزون می‌کنم. با درد، فرزندانی خواهی زایید و اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو حکمرانی خواهد کرد» (پیدایش، ۳: ۱۶).

این برخلاف قرآن است که نگرشی مثبت به درد زایمان زنان دارد و آن را عذاب و مجازات برای آنان قلمداد نمی‌کند (لقمان: ۱۴؛ احقاف: ۱۵).

زن نسبت به مرد از یک جایگاه پایین‌تر، تبعی و ثانوی برخوردار است. در سفر «پیدایش» درباره خلقت زن آمده است:

... پس خداوند آدم را به خواب عمیقی فروبرد و وقتی او در خواب بود یکی از قبرغه‌ها (دنده‌ها)یش را گرفت و جای آن را به هم پیوست، سپس از آن قبرغه زن را ساخت و او را پیش آدم آورد. آدم گفت: این مثل خود من است؛ استخوانِ از استخوان‌هایم و قسمتی از بدنم. نام او زن است؛ زیرا از انسان گرفته شد (پیدایش، ۲: ۲۱ـ۲۳).

این نوع نگاه به جنس زن و نقش و جایگاه او سبب شده تا در مسائل مربوط به احکام دوره عادت ماهانه نیز متأثر از همان نگاه منفی و نازلی به جنس زن باشد و رویکردی سختگیرانه و افراطی به او روا داشته شود و احکام دوره عادت ماهانه زنان به‌گونه‌ای تشریع شود که گویا زن در این ایام، عنصری پلید، نامطلوب و ناپاک است و باید همانند عنصر نجس یا بیماران واگیردار با وی رفتار شود: «هر کس او را لمس کند تا شب نجس باشد. و اگر مردی با او هم بستر شود و زن حایض باشد، مرد تا هفت روز نجس خواهد بود و هر بستری که بر آن بخوابد نجس خواهد بود» (لاویان، ۱۵: ۲۲ـ۲۴).

بنابراین هدف از دستورات عهد عتیق در این‌باره، رعایت بهداشت و تأمین سلامت زنان نیست، بلکه ایمنی بخشیدن به مردان از طریق دور ساختن ایشان از یک عنصر پلید و ناپاک است.

دو. تدابیر پیشگیرانه

براین‌اساس، هدف از وضع قوانین سختگیرانه در قبال زنان حائض و منع آمیزش و هرگونه تماس و ارتباط مردان با آنان در دوره عادت ماهانه، تضمین بهداشت و تأمین سلامت زنان و مردان بوده است. درواقع چون آمیزش با زنان در ایام عادت ماهانه، آسیب‌ها و ضررهای بهداشتی بسیاری برای هر دو طرف به همراه داشته، کتاب مقدس

نه‌تنها خودِ آمیزش و رابطه جنسی را ممنوع و حرام اعلام نموده، بلکه هرگونه ارتباط و تماس دیگر با زن حائض را نیز ممنوع کرده تا از نزدیک شدن مرد به زن حائض پیشگیری کند و از فراهم شدن بستری برای ورود آنها به یک رابطه جنسی پرخطر مانع گردد. ازاین‌رو، حتی شوخی کردن همسران با هم، غذا خوردن بر سر یک سفره، زندگی در یک اتاق، نگاه کردن به زن حائض برهنه یا نیمه‌عریان، هم‌بستری در یک رختخواب ـ ولو با لباس و پوشش کامل ـ هرگونه تماس بدنی با او، و هر عملی که می‌تواند زمینه‌ای برای ورود همسران به یک رابطه جنسی و آمیزش شود، ممنوع است تا در پرتو این محدودیت‌های سخت و شدید، زمینه برای برقراری رابطه جنسی و آمیزش فراهم نشود و امکان چنین رابطه‌ای وجود نداشته باشد تا مرد و زن حائض از خطرات و بیماری‌های ناشی از آمیزش در دوره عادت ماهیانه مصون بمانند.

اما سؤالی که در اینجا می‌توان مطرح ساخت این است که آیا لازم است برای پیشگیری از ورود همسران به رابطه جنسی و آمیزش در دوره عادت ماهانه، اینچنین محدودیت‌ها و قوانین سختگیرانه‌ای جعل گردد، به‌گونه‌ای‌که حتی روابط عادی و معمولی زن و شوهر در خانه را تحت‌الشعاع خود قرار دهد؟

زن در ایام عادت ماهیانه خود، به سبب تغییرات هرمونی و برخی تحولات فیزیولوژیکی دیگر، علاوه بر رنجش جسمی، دچار آزردگی روحی و حساسیت روانی نیز می‌گردد و بیش از روزهای عادی به یک همدم و مونس نیاز دارد که او را درک کند و مورد نوازش و مهر و محبت خود قرار دهد و به وی احترام بگزارد. حال اگر در چنین شرایطی دایم به او گفته شود: تو عنصری نجس هستی و باید از دیگران دوری گزینی و هرچه با تو تماس داشته باشد نیز آلوده به نجاست می‌شود...! آیا این قبیل برخوردها، بهداشت روحی و روانی زن حائض را به مخاطره نخواهد انداخت؟ آیا خداوند حکیمی که خود خالق زن و آگاه از احوال و شرایط روحی و روانی و جسمی اوست، دست به تشریع چنین احکام و قوانین سختگیرانه‌ای می‌زند که بهداشت و آرامش روانی زنان را به مخاطره بیفکند؟

سه. تمرین صبر و جلوگیری از شهوترانی افراطی مردان

عهد عتیق با وضع محدودیت‌ها در دوره عادت ماهانه زنان، به دنبال این هدف بوده است که آستانه تحمل مردان در خودداری از ارتباطات جنسی را بالا ببرد و اندکی از شهوترانی آنها بکاهد. ازاین‌رو، هم اصل رابطه جنسی را ممنوع ساخته و هم هرگونه ارتباط دیگر در این ایام را محدود کرده است. یکی از نتایج این محدودیت‌ها تشدید اشتیاق زوجین به یکدیگر پس از اتمام دوره عادت ماهیانه است، به‌گونه‌ای‌که همانند یک زوج تازه ازدواج کرده، شیفته ملاقات و ارتباط با یکدیگر می‌گردند.

اما آیا با تکرار این معنا که زن در ایام عادت ماهیانه نجس است و القای دائمی پلیدی او به شوهر، می‌توان اشتیاق مرد به زن را بیشتر کرد؟ علاوه بر آن، محدود کردن رابطه جنسی با زن حائض، به معنای محدود کردن شهوترانی مرد نیست؛ زیرا مرد می‌تواند همسران متعدد داشته باشد و هنگامی که یکی از همسران وی در ایام عادت ماهیانه به سر می‌برد، با سایر همسران خویش رابطه جنسی داشته باشد.

دیدگاه مسیحیت درباره آمیزش در دوره عادت ماهانه

براساس آنچه در عهد جدید، کتاب «انجیل متی» از حضرت عیسی﵇ نقل شده است، ایشان منسوخ‌کننده شریعت حضرت موسی﵇ و تورات نبوده، بلکه برای اتمام و اکمال آن و تحقق بخشیدن به شریعت تعطیل شده حضرت موسی﵇ آمده است:

> **فکر نکنید که من آمده‌ام تا تورات و نوشته‌های پیامبران را باطل سازم! نیامده‌ام تا باطل نمایم، بلکه آمده‌ام تا آنها را تمام کنم. پس هرکه یکی از این احکام کوچک‌ترین را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد، در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود. اما هرکه به عمل آورد و تعلیم نماید، او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد (متی، ۵: ۱۸-۱۹).**

قرآن نیز بر این نکته تأکید دارد و از زبان حضرت عیسی﵇ خطاب به بنی‌اسرائیل می‌فرماید: «وَ إِذْ قَالَ عِيسَى‌بْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي‌إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاةِ...» (صف: ۶)؛ و هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت: ای فرزندان اسرائیل، من فرستاده خدا به سوی شما هستم؛ تورات را که پیش از من بوده تصدیق می‌کنم.

براین‌اساس، احکام و قوانینی که در شریعت حضرت موسی﵇ و دین یهود و عهد عتیق وجود دارد (ازجمله احکام مربوط به دوره ماهانه زنان و حرمت آمیزش در آن)، باید مقبول و مستند عملی مسیحیت نیز باشد. اما براساس برخی اعتقادات تحریف یافته، مانند اعتقاد به فدیه و پایان یافتن دوران شریعت‌محوری، اگرچه بخش عهد عتیق از کتاب مقدس برای مسیحیان نیز مقدس و محترم است، اما مستند عملی نیست و اساساً «شریعت» توسط *پولس* که مؤسس مسیحیت جدید است، نفی گردید. البته برخی موضوعات، مانند داستان‌های انبیا و نحوه آفرینش که در عهد عتیق وجود دارد، برای مسیحیان نیز حجیت دارد و به آن باور دارند؛ اما در بخش قوانین و احکام شریعت، این پایبندی وجود ندارد. ازاین‌رو، در مقابل دستورات و احکام به شدت سختگیرانه عهد عتیق در خصوص آمیزش و هرگونه رابطه جنسی و غیرجنسی با زنان در دوره عادت ماهانه، مسیحیان هیچ فرقی میان حالت حیض و غیرحیض قایل نیستند، و همه‌گونه معاشرت، حتی آمیزش جنسی با زنان حائض را بلامانع می‌دانند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۹۲).

مازوکوپاکیس (Mazokopakis) و *سامونیس* (Samonis) در مطالعه خود در خصوص مجاز بودن مقاربت از دیدگاه مسیحیت و علم طب این‌گونه نتیجه‌گیری کرده‌اند که انجام مقاربت در زمان قاعدگی از نظر طب، امری طبیعی است و قوانین مربوط به مجاز نبودن این مسئله از نظر عهد عتیق صرفاً برای افزایش سلامت بنی‌اسرائیل، پیشگیری از بیماری‌های منتقل‌شونده جنسی، بهبود باروری و سلامت فرزندآوری است (مازوکوپاکیس ، ۲۰۱۸، ص ۸).

علاوه بر نفی شریعت‌محوری، می‌توان سهل‌گیری در مسئله آمیزش در ایام عادت ماهانه در مسیحیت را تا حد زیادی متأثر از رویکردی دانست که این دین به مسئله طهارت و نجاست دارد؛ زیرا تنها بازمانده احکام طهارت در مسیحیت رسمی امروز، «غسل تعمید» است که در فرقه‌های مختلف مسیحی به شکل‌های گوناگون انجام می‌شود

و نشانه تطهیر از گناه نخستین (گناه آدم ابوالبشر) است که بر دوش همه انسان‌ها باقی مانده است. این غسل نشانه پذیرفته شدن در فرقه خاصی از مسیحیت است. همچنین در حد بسیار محدودی «پای‌شویان» انجام می‌شود؛ آیینی که در آن، مقامات بالای کلیسا به پیروی از مسیح﵇ پای افراد را می‌شویند. داستان شستن پاهای حواریون توسط حضرت مسیح در یوحنا ۱۳: ۱ـ۱۷ و نیز روایات اسلامی نقل شده است.

از سایر احکام مفصل و سختگیرانه‌ای که در خصوص موضوع بحث در یهودیت و عهد عتیق وجود داشت، در عهد جدید و مسیحیت خبری نیست. حتی حضرت عیسی﵇ با شستن دست‌ها پیش از تناول غذا که از آداب طهارت در آیین یهود بود، اجتناب می‌ورزید:

چون بعضی از شاگردان او را دیدند که با دست‌های ناپاک، یعنی ناشُسته نان می‌خورند، ملامت نمودند؛ زیرا که فریسیان و همه یهود تمسک به تقلید مشایخ نموده، تا دست‌ها را به‌دقت نشویند، غذا نمی‌خورند (مرقس، ۷: ۲و۳؛ متی، ۲: ۱۵؛ لوقا، ۳۸: ۱۱).

بدین‌روی، از نظر این دین هیچ چیزی نجس نیست و خوردن هیچ چیزی حرام نخواهد بود، بلکه بر تمام کارها و اشیا حکم به اباحه می‌گردد. *پولس* در این‌باره می‌گوید: «هر شیء برای پاکان پاک است» (نامه پولس به تیطس، ۱: ۱۴).

از این نکته نیز نباید غفلت ورزید که اگرچه به احکام سختگیرانه عهد عتیق در دوره عادت ماهانه در مسیحیت عمل نمی‌شود، اما چون بخش عهد جدید و کتاب مقدس مسیحیان پس از عروج حضرت عیسی﵇ توسط حواریون و دیگر قدیسان مسیحی نوشته شده، متأثر از فرهنگ زمانه (شرایط محیطی و اجتماعی و ارزشی آن دوران) و آموزه‌های عهد عتیق و یهودیت بوده است. بنابراین، آن نگاه منفی و تبعی و درجه دومی که در عهد عتیق نسبت به زن و نقش و جایگاه آن بود، در عهد جدید نیز قابل مشاهده است:

مرد از زن نیست، بلکه زن از مرد است و نیز مرد به جهت زن آفریده نشده، بلکه زن برای مرد آفریده شده است» (رساله اول پولس به قرنتیان، ۱۱: ۸).

زن را اجازت نمی‌دهم که تعلیم دهد، بلکه باید در سکوت بماند؛ زیرا... آدم فریب نخورد، بلکه زن فریب خورده، در تقصیر گرفتار شد. اما به زاییدن رستگار خواهد شد، اگر در ایمان و محبت و قدوسیت و تقوا ثابت بمانند (رساله اول پولس به تیموتائوس، ۲: ۱۲ـ۱۵).

دیدگاه اسلام درباره آمیزش در دوره عادت ماهانه

در قرآن کریم که کتاب آسمانی و متن مقدس دین اسلام به‌شمار می‌آید، در سه آیه به موضوع دوره عادت ماهانه زنان اشاره شده است: آیات ۲۲۲و۲۲۸ سورهٔ «بقره» و آیهٔ ۴ سورهٔ «طلاق». آیهٔ ۲۲۸ سورهٔ «بقره» و ۴ سورهٔ «طلاق» به احکام طلاق در زمان عادت ماهیانه مربوط است، اما آیهٔ ۲۲۲ سورهٔ «بقره» به ماهیت آن و احکام طهارت و نجاست و نیز مسئله آمیزش و روابط جنسی در این ایام اشاره دارد:

«یَسْأَلُونَکَ عَنِ الْمَحِیضِ قُلْ هُوَ أَذیً فَاعْتَزِلُوا النِّساءَ فِی الْمَحِیضِ وَ لاتَقْرَبُوهُنَّ حَتَّی یَطْهُرْنَ فَإِذا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَیْثُ أَمَرَکُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ التَّوّابِینَ وَ یُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِینَ»؛ و از تو درباره حیض [ایام عادت ماهانه زنان]

سؤال می‌کنند، بگو: آن مایه ناراحتی و آزار است. ازاین‌رو، در حال حیض، از [آمیزش با] زنان کناره‌گیری کنید و با آنها نزدیکی ننمایید تا پاک شوند. پس هنگامی که پاک شدند، آن‌گونه که خداوند به شما فرمان داده است، با آنها آمیزش کنید. قطعاً خداوند توبه‌کنندگان را دوست دارد، و پاکان را نیز دوست دارد.

درباره این آیه شریفه می‌توان چند نکته را بیان کرد:

یکم. در رابطه با شأن نزول آیه شریفه گفته شده است: مشرکان پیش از اسلام در منطقه مدینه به سبب حضور و زیست یهودیان در آن منطقه و انس با آنان، تا حدی متأثر از فرهنگ و باورهای یهودیان بودند. بنابراین در موضوع عادت ماهانه زنان نیز همانند یهودیان عمل می‌کردند و از همسران خویش جدا می‌شدند. از سوی دیگر، سهل‌گیری مسیحیان در این مسئله را مشاهده می‌کردند. بدین‌روی، بین یک رویکرد سختگیرانه و سهل‌انگارانه در این موضوع قرار گرفته بودند. به محضر رسول اکرمﷺ آمدند و در این‌باره سؤال کردند. آیهٔ ۲۲۲ سورهٔ «بقره» در پاسخ به سؤال ایشان نازل شد (راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۷۲؛ ابن‌کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۳۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۵۱۹؛ بیهقی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۶؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۹۱و۹۲).

دوم. با نگاه به ابتدای آیه شریفه و عبارت «فَاعْتَزِلُوا النِّساءَ فِی الْمَحِیضِ وَ لاتَقْرَبُوهُنَّ» که امر به اعتزال و گوشه‌گیری در ایام عادت ماهانه و ترک آمیزش و نزدیک شدن به زنان در این ایام شده، ممکن است چنین به برداشت شود که تفاوتی میان احکام و دستوارت قرآن و عهد عتیق در نحوه مواجهه با مسئله عادت ماهیانه زنان نیست و هر دو متن مقدس با رویکردی سختگیرانه با موضوع برخورد کرده‌اند. اما با دقت در آیه شریفه و نیز توجه به روایات واردشده در ذیل آیه و همچنین در نظر گرفتن نگاه کلی قرآن به جنس زن، نادرست بودن برداشت مزبور از عبارات ابتدایی آیه ۲۲۲ سورهٔ «بقره» به‌روشنی مشخص می‌گردد؛ زیرا:

اولاً، در بخش انتهایی آیه شریفه آمده است: «فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَیْثُ أَمَرَکُمُ اللّهُ» که درباره اجازه آمیزش جنسی با زنان بعد از دوره عادت ماهیانه و پاک شدن از خون حیض است. با توجه به این قرینه در آیه شریفه، معلوم می‌شود که دستور به دوری‌گزینی از زنان حائض در ابتدای آیه، تنها به ترک آمیزش و روابط جنسی از طریق واژن مربوط است، نه هرگونه ارتباط و نزدیکی با ایشان؛ یعنی تنها محدودیتی که آیه شریفه برای زنان در عادت ماهیانه مطرح می‌سازد، آمیزش و دخول از جلو است، نه اینکه همانند عهد عتیق هرگونه ارتباط و نزدیکی با زن حائض را محدود کند و حتی غذا خوردن بر سر یک سفره و زندگی در یک اتاق و خوابیدن در یک بستر را برای او ممنوع سازد.

امام صادقؑ می‌فرمایند: «وقتی که عادت ماهانه زنی فرا می‌رسد و خون حیض می‌بینند، شوهرش می‌تواند هرگونه لذتی از او ببرد، مادام که از محل بیرون آمدن خون حیض (فرج) پرهیز نمایند» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۲۲).

ثانیاً، برخلاف نگاه عهد عتیق به جنس زن که یک نگاه نازل و ثانوی است، از نگاه قرآن، هیچ تفاوتی میان زن و مرد در ارزش‌های اصیل انسانی، مانند تقرب به خدا، تقوا، کمالات نفسانی، و کسب علم و دانش نیست (یوسف:

۹۰؛ نازعات: ۴۰ و۴۱؛ بقره: ۱۸۶؛ حجرات: ۱۳). در سورهٔ «نحل»، آیهٔ ۹۷ آمده است: «مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِنْ ذَکَرٍ أَوْ أُنْثی وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْیِیَنَّهُ حَیاةً طَیِّبَة...»؛ هر کس کار شایسته کند ـ چه زن باشد چه مرد ـ درحالی‌که او مؤمن باشد، قطعاً او را با بهره‌مندی از زندگانی پاکیزه‌ای حیات می‌بخشیم و جزایی فراتر از عملش به او می‌دهیم. حتی در قرآن، زنانی مانند حضرت مریم یا حضرت آسیه (همسر فرعون) نمونه‌های ممتاز بشری معرفی شده‌اند که تمام مؤمنان ـ اعم از زن و مرد ـ باید ایشان را الگو و اسوه خود قرار دهند (تحریم: ۱۱و۱۲)؛ یعنی مصادیقی از زنان، الگو و اسوه برای همه مردان قرار داده شده‌اند. بنابراین دستور قرآن به ترک آمیزش و رابطه جنسی با زن در ایام عادت ماهانه، به این سبب نیست که همانند عهد عتیق، زن را عنصری نجس و پلید در نظر داشته باشد، بلکه جهات دیگری از وضع چنین محدودیتی نیز مدنظر قرآن بوده است.

سوم. محدودیت وضع‌شده (منع آمیزش و رابطه جنسی در دوره عادت ماهانه) به لحاظ رعایت بهداشت و سلامت جسمی و روحی و روانی زن و مرد بوده است؛ زیرا:

اولاً، ممنوعیت آمیزش را تا زمان پیدایش طهارت و پاکیزگی محدود ساخته است: «حَتَّی یطْهُرْنَ»؛ یعنی ممنوعیت پیش از آن به علت عدم طهارت و در جهت تأمین سلامت و بهداشت بوده است.

ثانیاً، سایر روابط همسرانه میان زن و مرد مجاز شمرده شده است. حتی سایر استمتاعات و التذاذجویی‌های جنسی میان زن و شوهر جایز قلمداد شده است؛ یعنی مرد می‌تواند در دوره عادت ماهانه زن، علاوه بر روابط روزمره زندگی، روابط عاطفی و عاشقانه و حتی روابط جنسی مانند ملاعبه (غیر از آمیزش از طریق واژن) با همسر خویش داشته باشد (البته کامیابی از زانو تا ناف زن کراهت دارد، مگر اینکه از روی لباس باشد).

ثالثاً، روایاتی که از معصومان علیهم‌السلام ذیل آیه شریفه وارد شده، حکمت جعل حرمت آمیزش در ایام حیض را مسائل بهداشتی و سلامت زن و مرد و فرزند حاصل از آمیزش و رابطه جنسی بیان کرده‌اند (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۶۸)؛ مثلا در روایتی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند: «هر کس با همسر خویش در حال حیض مجامعت نماید و فرزندش با بیماری جذام یا برص و پیسی متولد شود جز خود کسی را ملامت نکند» (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۴۰۴).

همچنین از امام باقر علیه‌السلام درباره زنی که در روز آخر ایام عادت، خون حیضش قطع شده است، سؤال شد که آیا شوهرش می‌تواند با او آمیزش نماید؟ حضرت فرمودند: «اگر میل به دخول در شوهر شدید شده و صبر کردن برایش دشوار باشد، به همسرش بگوید: داخل فرجش را شست‌وشو دهد، آنگاه اگر خواست می‌تواند (پیش از غسل) با او آمیزش نماید» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۲۴).

رابعاً، توصیفی که از قاعدگی در آیه شریفه شده تعبیر «هُوَ أَذیً»، یعنی (مایه ناراحتی و رنج و آزار) است. ازاین‌رو، همین‌قدر از محدودیت (ممنوعیت آمیزش) که برای زنان در نظر گرفته شده، برای رعایت حالت روحی و روانی ایشان است که در رنجش و ناراحتی‌اند و از نوعی حساسیت روانی ناشی از اختلال مزاج و تغییرات هورمونی برخوردارند و آمادگی و نشاط روحی کافی برای یک رابطه جنسی مطلوب را ندارند، بلکه از آن تنفر دارند.

روحیات زن در ایام عادت ماهانه از هر زمان دیگری شکننده‌تر و حساس‌تر است. توجه به حالت روحی و روانی زن در ایام عادت ماهانه به قدری مورد اهتمام قرآن و اسلام بوده که حتی انجام اعمال عبادی واجب (مانند نماز و روزه)، در این ایام از عهده زنان برداشته شده است، ولی برخلاف آموزه‌های عهد عتیق، این اجازه را به زن حائض می دهد که در اوقات عبادت بتواند خود را طاهر سازد و در سجاده خود به راز و نیاز و عبادت و برقراری ارتباط معنوی با خداوند متعال به پردازد، اما وجوب آن از عهده زن در این ایام ساقط شده است (موسوی خمینی، ۱۳۷۹؛ نیز ر.ک: رساله‌های عملیه مراجع معظم تقلید، مبحث احکام حائض). تا چنانچه زن آمادگی روحی و آرامش لازم برای عبادت را به سبب حیض نداشته باشد، الزام و وجوبی متوجه وی نباشد.

از آنچه گفته شد، به‌روشنی مشخص می‌گردد محدودیتی که قرآن برای آمیزش در دوره عادت ماهانه زنان وضع کرده صرفاً برای رعایت بهداشت و سلامت جسم و روان زن و مرد بوده، ضمن آنکه شخصیت و کرامت زن را حفظ کرده و نیازهای روحی و روانی او را در نظر گرفته است تا از اقداماتی که موجب ضرر و آسیب جسمی و روانی برای او می‌شود، ممانعت کند.

اما آیا علم و دانش پزشکی نیز چنین حکمی را تأیید می‌کند؟ آیا در دانش پزشکی زیان‌ها و آسیب‌های بهداشتی یا بیماری‌هایی برای زن یا مرد در اثر آمیزش در ایام عادت ماهیانه اثبات شده است؟

دیدگاه دانش پزشکی درباره آمیزش در دوره عادت ماهانه

براساس یافته‌های دانش پزشکی، بدن انسان دو نوع ترشح دارد که نقش مهمی در عملکرد آن دارند:

اول. ترشح غدد گوارشی و انواع ترشحات اندوکرین که ساختار درونی بدن را تنظیم می‌کند و به نفع بدن است.

دوم. ترشحات دیگری مانند ادرار، مدفوع، عرق و قاعدگی هم دارد که به سبب آسیب‌زا بودن برای بدن، باید از بدن خارج شود؛ زیرا این ترشحات حاوی مواد سمی هستند (دویری، ۱۴۲۸ق، ص ۳۴). جریان خون قاعدگی نوعی پاکسازی بدن و محافظت آن در برابر سموم مضر و خطرناک است.

از سوی دیگر، از نظر پزشکی ثابت شده که خون بهترین محیط برای رشد و تکثیر باکتری‌هاست. عفونت‌های مقاربتی از طریق خون قاعدگی از یک شخص به فرد دیگر منتقل می‌شود. همچنین باکتری‌هایی که وارد رحم زن می‌شود، التهاب را در اندام‌های ادراری ـ تناسلی پخش می‌کند. مقاربت در دوره قاعدگی مسبب کم‌خونی، آسیب غدد درون‌ریز و مشکلات بارداری نیز خواهد شد. بنابراین اجتناب از برقراری ارتباط با زنان در زمان عادت ماهانه امری ضروری است (همان).

عوامل بسیاری موجب عفونت دستگاه تناسلی خانم‌ها، به‌ویژه از نوع STDها (بیماری‌های مقاربتی) می‌شوند. عواملی مانند رفتارهای جنسی، سن اولیه تماس جنسی، عدم رعایت بهداشت و زمان تماس جنسی از این قبیل است (آرال، ۱۹۹۲ ، ص۹۸) تغییرات فیزیولوژیکی که در سال‌های باروری در خانم‌ها ایجاد می‌گردد نیز بر روی

عفونت‌ها و STDها تأثیر می‌گذارند؛ مانند تغییرات مرتبط با دوره قاعدگی، بارداری و استفاده از روش‌های جلوگیری از بارداری (ارهارت، ۱۹۹۱، ص۶۷).

مطالعات بالینی نشان داده که بیماری علامت‌دار التهابی لگن (ناشی از کلامیدیا و گنوره) در ضمن هفته اول دوره قاعدگی که همزمان با خونریزی قاعدگی است، شایع‌تر است (اشنباخ، ۱۹۷۷، ص ۱۲۸؛ سوییت و همکاران، ۱۹۸۶، ص ۲۵۵). یک علت آن افزایش قابلیت نفوذپذیری مخاط دهانه رحم در زمان قاعدگی است که موجب افزایش انتقال عفونت به رحم می‌گردد. علت دیگر برگشت خون آلوده از رحم به لوله‌های رحمی و داخل لگن در زمان قاعدگی است. برای بعضی عفونت‌ها علل دیگری نیز مطرح است. برای مثال، آهنی که به‌طور فراوان در خون قاعدگی وجود دارد موجب تسریع رشد «گنوکوک» (باکتری عامل سوزاک) می‌گردد. همچنین این عامل در زمان قاعدگی می‌تواند موجب تکثیر عفونت در دهانه رحم شود (جیمز، ۱۹۷۸، ص۷۹)

همچنین شواهدی مبنی بر افزایش خاصیت بیماری‌زایی «گنوکوک» در زمان قاعدگی وجود دارد (برونهام و همکاران، ۱۹۹۰، ص ۱۳۴). از سوی دیگر، محیط واژن به‌طور طبیعی حاوی برخی از اجزایی است که نقش مهمی در مقابله با عفونت‌های وارده انجام می‌دهند. این اجزا به تغییرات محیطی و هورمونی بسیار حساس‌اند. محیط واژن در زمان قاعدگی تغییر وضعیت پیدا می‌کند و تغییر در نسبت این اجزا موجب تکثیر عفونت و شروع علائم عفونت‌هایی مثل «تریکومونا» در خانم‌ها می‌گردد (رین، ۱۹۹۰، ص ۶۹؛ کهن، ۱۹۹۰، ص ۵۷).

«کلامیدیا» و «مایکوپلاسما» از عوامل مهم بیماری التهابی لگن هستند که در دهانه رحم، رحم و لوله‌های رحم وجود دارند (وستروم، ۱۹۹۰، ص ۷۶). برگشت خون قاعدگی از رحم به لوله‌های رحمی موجب انتقال این عوامل عفونی به لگن و پخش و تکثیر عفونت در لگن یک خانم می‌گردد (سوییت، ۱۹۸۶، ص ۲۵۵). تماس جنسی در زمان قاعدگی موجب تسریع انتشار عفونت گنوکوک از دهانه رحم به داخل حفره رحم و لوله‌های رحمی می‌شود (برونهام و همکاران، ۱۹۹۰، ص ۱۳۴). در یک بررسی در سرم خانم‌ها مواد ضد عفونت گنوکوکی یافت شد که این مواد در زمان قاعدگی کاهش یافته بود (نوویکی، ۲۰۰۰، ص ۲۸۳). بنابراین خانم‌ها در این زمان آمادگی بیشتری برای ابتلا به عفونت دارند.

چون ویروس نقص سیستم ایمنی(HIV) در خون زمان قاعدگی وجود دارد، تماس جنسی در زمان قاعدگی موجب افزایش خطر انتقال و ابتلای به این ویروس می‌گردد؛ زیرا بررسی‌های اخیر نشان داده که وجود خون در زمان تماس جنسی موجب افزایش خطر انتقال ویروس HIV شده است (والاچ، ۱۹۹۰، ص ۵۴؛ وینچنزی، ۱۹۹۴، ص۳۳۱) طبق بررسی یکی از محققان ریزش لایه داخل رحمی در زمان قاعدگی موجب ایجاد زمینه آماده برای پذیرش عفونت رحم می‌شود و عفونت وارد شده از آنجا به‌طور مستقیم وارد گردش خون و انتشار آن می‌گردد وینچنزی، ۱۹۹۴، ص۳۳۱).

در نهایت، می‌توان گفت: تغییر در ساختار ایمنی بدن خانم در زمان قاعدگی موجب تداخل در ساختار دفاعی بدن در مقابل عفونت می‌گردد و بدن آنها آمادگی بیشتری برای دریافت عفونت دارد (کهن، ۱۹۸۷، ص۵۷). در بررسی انجام‌شده در خصوص تغییرات دفاعی بدن، معلوم شد قاعدگی موجب کاهش ساختار دفاعی بدن در مقابل باکتری، قارچ و ویروس می‌شود (هورن، ۲۰۰۸، ص ۱۳۵). درباره تبخال تناسلی نیز احتمال انتقال ویروس در زمان قاعدگی به جنس مذکر افزایش می‌یابد (کهن، ۱۹۸۷، ص ۵۷).

در پایان، این نکته نیز قابل توجه است که درباره آمیزش در دوره عادت ماهیانه، Fahs (۲۰۱۱) یک مطالعه کیفی بر روی ۴۰ زن با طیف سنی و نژادی متفاوت انجام داده است. نتایج مطالعه او نشان داد: بیشتر زنان (۲۵ تن از ۴۰ زن) دیدگاهی منفی درباره آمیزش در دوره عادت ماهیانه دارند. مضامینی که از این مصاحبه‌ها استخراج شد شامل ناراحتی و سختی جسمی برای پاک شدن از حیض، ناراحتی همسر، درک منفی از خود، و کار سخت عاطفی برای مدیریت انزجار همسر بود. البته در این مطالعه ۱۳ تن از ۴۰ شرکت‌کننده دارای نگاه مثبت به مسئله آمیزش در حین دوره عادت ماهانه بودند که مضامین استخراجی از مصاحبه‌های آنان لذت جسمی و عاطفی از رابطه جنسی در هنگام قاعدگی و عصیان علیه نگرش‌های ضد قاعدگی بود (فاحس، ۲۰۱۱، ص ۱).

نتیجه‌گیری

با بررسی موضوع آمیزش در دوره عادت ماهانه از منظر متون مقدس ادیان ابراهیمی و دانش پزشکی، مشخص شد که قرآن کریم، رویکردی میانه و معتدل به این مسئله دارد و از سختگیری‌های افراطی یهودیت و سهل‌گیری ناموجه مسیحیت پیراسته است. هدف اساسی قرآن از تشریع منع آمیزش در ایام عادت ماهانه، تأمین بهداشت جسمی و سلامت روانی زوجین بوده است؛ نکته‌ای که دستاوردهای دانش پزشکی به‌روشنی آن را تأیید می‌کند. از این مطلب، نزدیکی و همخوانی دستورات قرآن با دانش روز بشری هویدا می‌گردد. ازاین‌رو، برای حفظ و ارتقای سلامت جسمی و بهداشت روانی و قدرت باروری زوجین، باید به دستورات قرآن عمل کرد و از آمیزش در دوره عادت ماهانه اجتناب نمود. مسئولان و سیاست‌گذاران نظام سلامت نیز باید با آموزش‌های مربوط به سلامت زنان و خانواده، در این‌باره مشاوره‌های لازم را ارائه نمایند.

منابع

کتاب مقدس

ابن‌کثیر دمشقی، اسماعیل‌بن عمر، ۱۴۱۹ق، ***تفسیر القرآن العظیم***، تحقیق محمدحسین شمس‌الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه.

احمدی، بتول و همکاران، ۱۳۹۱، «چالش‌های سیاستگذاری و اجرایی سلامت زنان و راهکارهای ارتقای آن: یک رویکرد کیفی براساس دیدگاه صاحبنظران»، ***پایش***، دوره یازدهم، ش ۱، ص ۱۲۷ـ۱۳۷.

آلوسی، سیدمحمود، ۱۴۱۵ق، ***روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم***، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه.

آنترمن، آلن، ۱۳۸۵، ***باورها و آیین‌های یهودی***، ترجمهٔ رضا فرزین، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

براتی، مجید و همکاران، ۱۳۹۳، «تحلیل باورهای مرتبط با سلامت جنسی در بین زوجین در آستانه ازدواج با بهره گیری از مدل اعتقاد بهداشتی»، ***آموزش و سلامت جامعه***، دوره اول، ش ۱، ص ۳۶ـ۴۵.

بیهقی، احمدبن حسین، ۱۴۱۴ق، ***سنن بیهقی***، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، مکة المکرمه، مکتبة دار الباز.

پرویزی، سرور و همکاران، ۱۳۸۸، «پویایی خانواده و سلامت زنان: پژوهش کیفی»، ***مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان***، سال هفتم، ش ۲، ص ۴۵ـ۵۷.

جان‌قربان، رکسانا و همکاران، ۱۳۹۳، «مروری بر مفهوم و ساختار حقوق باروری و جنسی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، ***زنان مامایی و نازایی ایران***، دوره هفدهم، ش ۱۰۰، ص ۱۶ـ۲۶.

حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۱۴ق، ***تفصیل وسائل الشیعه***، قم، آل‌البیت لاحیاء التراث.

حسینی، زینب‌السادات و صدیقه اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۳، «مجامعت با حائض از منظر قرآن و طب»، ***مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی زنجان***، دوره بیست و دوم، ش ۹۰، ص ۲۳ـ۳۲.

دویری، زاید نواف عواد، ۱۴۲۸ق، ***اثر المستجدات الطبیة فی باب الطهارة***، عمان، دار النفائس للنشر.

راوندی، قطب‌الدین، ۱۴۰۵ق، ***فقه القرآن***، تحقیق سیداحمد حسینی و سیدمحمود مرعشی، چ دوم، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

صدوق، محمدبن علی، ۱۳۶۳، ***من لا یحضره الفقیه***، مقدمه و تصحیح علی‌اکبر غفاری، چ دوم، قم، جامعهٔ مدرسین.

قربانی، اعظم و ماهرخ گلچین، ۱۳۹۰، «وضعیت سلامت روانی زنان مراجعه‌کننده به پایگاه‌های سلامت استان قزوین (۱۳۸۷)»، ***مجله دانشگاه علوم پزشکی قزوین***، دوره پانزدهم، ش ۱ (پیاپی ۵۸)، ص ۵۶ـ۶۲

لیندسی، گوردن، ۱۹۷۶م، ***چرا کتاب مقدس کلام خداست***، ترجمهٔ ط. میکائیلیان، تهران، دانش امروز.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، ***تفسیر نمونه***، چ سی و دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۷، ***از تو سؤال می‌کنند***، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، چ دوم، قم، مدرسهٔ امام علی‌بن ابی‌طالب﵇.

منسکی، ورنر و همکاران، ۱۳۸۹، ***اخلاق در شش دین جهان، بخش یهود***، ترجمهٔ محمدحسین وقار، چ دوم، تهران، اطلاعات.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۹، ***تحریر الوسیله***، قم، جامعهٔ مدرسین.

هاشمی، سمیه و همکاران، ۱۳۹۱، «بررسی الگوی رفتارهای جنسی در زنان متأهل»، ***پایش***، سال یازدهم، ش ۴، ص ۵۵۵ـ۵۵۹.

Aral SO., 1992, "Sexual Behavior as a Risk Factor for Sexually Transmitted Disease", in Germain A, Holmes KK, Piot P, Wasserheit JN, editors, ***Reproductive Tract Infections: Global Impact and Priorities for Women's Reproductive Health***, Boston, MA: Springer USA.

Brunham R, Holmes K, Embree J., 1990, "Sexually transmitted diseases during pregnancy", in Holmes KK, Mard PA, Sparling PF, et al, eds., ***Sexually transmitted diseases***, 2nd ed, New York, McGraw-Hill.

Cohen J., 1987, "Sexual and other practices and risk of HIV infection in a cohort of 450 sexually active women in San Francisco", ***Abstract Book***,. III International Conference on AIDS. Washington, DC.

Cohen M, 1990, "Weber R, Mardh P-A. Genitourinary mucosal defenses", in Holmes KK, Mard PA, Sparling PF, et al, eds, ***Sexually transmitted diseases***, 2nd ed, New York, McGraw-Hill.

De Vincenzi I., 1994, "A longitudinal study of human immunodeficiency virus transmission by heterosexual partners", ***New England Journal of Medicine***, N. 331(6), p. 341-346.

Ehrhardt A, Wasserheit J., 1991, "Age, gender, and sexual risk behaviors for sexually transmitted diseases in the United States", in Wasserheit JN, Aral SO, Holmes KK, eds, ***Research issues in human behavior and sexually transmitted diseases in the AIDS era***, Washington, DC: American Society for Microbiology.

Eschenbach DA, Harnisch JP, Holmes KK., 1977, "Pathogenesis of acute pelvic inflammatory disease: Role of contraception and other risk factors", ***American Journal of Obstetrics and Gynecology***, N. 128(8), p. 838-850.

Fahs, B., 2001, "Sex During Menstruation: Race, Sexual Identity, and Women's Accounts of Pleasure and Disgust", ***Feminism & Psychology***, N. 0(0), p. 1-24.

Horne AW, Stock SJ, King AE., 2008, "Innate immunity and disorders of the female reproductive tract", ***Reproduction***, N. 135(6), p. 739.

James J, Swanson J., 1978, "Color opacity colonial variants of Neisseria gonorrhoea and their relationship to the menstrual cycle", in Brooks GF, Gotschlich EC, Holmes KK, Sawyer WD, Young FE, Ed, ***Immunobiology of Neisseria gonorrhea***, Washington, DC: American Society for Microbiology.

Mazokopakis EE, Samonis G., 2018, "Is Vaginal Sexual Intercourse Permitted during Menstruation? A Biblical (Christian) and Medical Approach", ***Maedica (Buchar)***, N. 13(3), p. 183-1888.

Nowicki S, 2000, "Hart-Van Tassell A, Nowicki B. Susceptibility to Gonococcal Infection During the Menstrual Cycle", ***JAMA***, N. 283(10), p. 1291-292.

Rein M, Muller M., 1990, "Trichomonasvaginalis and trichomoniasis", in Holmes KK, Mard PA, Sparling PF, et al, eds., ***Sexually transmitted diseases***, 2nd ed, New York, McGraw–Hill.

Salleh SF, Nordin N, Ismail SK, Fatimah T, Muda MT, Yusoff ZM, et al., 2018, "Intercourse during Menstruation: Islamic Ethics and Medical Views", ***International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences***, N. 8(10).

Slater, C, Robinson AJ, 2014, "Sexual health in adolescents", ***Clinics in dermatology***, N. 32(2), p. 189-195.

Sweet R, Blankfort-Doyle M, Robbie M, Schacter J., 1986, "The occurrence of chlamydial and gonococcalsalpingitis during the menstrual cycle", ***JAMA***, N. 255, p. 2062-2064.

Wallach EE, Alexander NJ., 1990, "Sexual transmission of human immunodeficiency virus: virus entry into the male and female genital tract", ***Fertility and Sterility***, N. 54(1), p. 1-18.

Westrom L, Mard P., 1990, "Acute pelvic inflammatory disease (PID)", in Holmes KK, Mard PA, Sparling, PF, et al, eds., ***Sexually transmitted diseases***, 2nd ed, New York, McGraw-Hill.